

اشاره

اینترنت به یک بخش عادی در زندگی روزمرهٔ کودکان تبدیل شده است. جایی که بازی می‌کنند، دوستان خود را ملاقات می‌کنند و چیزهایی جدید یاد می‌گیرند. از طریق اینترنت، دسترسی به دنیای بیرون برای کودکان آسان‌تر شده است اما متقابلاً آن‌ها هم برای دنیای بیرون بیشتر در دسترس قرار گرفته‌اند. هر جا که کودکان حضور دارند، عده‌ای نیز هستند که می‌خواهند برای مقاصد شوم با آن‌ها ارتباط برقرار کنند؛ افرادی که سادگی و صداقت کودکان را هدف قرار داده‌اند و مرتکب اعمال غیرانسانی از جمله آزار و سوءاستفاده از آن‌ها می‌شوند.

برای والدین که با کودکان زندگی می‌کنند یا مربی پیش‌دبستانی که در ارتباط نزدیک با آن‌ها کار می‌کند، پیگیری اینکه کودکان در فضای برخط چه می‌کنند، دشوار و حتی امکان‌ناپذیر به نظر می‌سد و از همین رو محافظت از آنان نیز مشکل می‌شود، اما راه‌های زیادی برای پشتیبانی از کودکان و راهنمایی آن‌ها در اینترنت وجود دارند که مانع صدمه دیدن یا به دردسر افتادن آن‌ها می‌شود. اولین و مهم‌ترین قدم، سهیم شدن با کودکان در فعالیت‌های اینترنتی آن‌هاست. به همان اندازه که پرسیدن «امروز در کدکستان چه خبر بود» یا «امروز تمرین تأثر چطور بود» عادی است، پرسیدن اینکه «امروز در اینترنت چه خبر بود» نیز باید طبیعی تلقی شود.

کلیدواژه‌ها: اینترنت، عزت‌نفس خود عکس‌محور، ارتباط بین‌فردی، سواد رسانه‌ای

والدین، همراه مطمئن در فضای برخط

سیدغلامرضا فلسفی

کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی و عضو هیئت تحریریه



کودکان و اینترنت

این که کودکان می‌خواهند از طریق اینترنت با دیگران ارتباط برقرار کنند امری نکوهیده نیست. فضای برخط (آن‌لاین) فضایی خارق‌العاده برای یافتن دوست‌های جدید و ارتباطات تازه است اما لازم است والدین و مربی پیش‌دبستانی و خودکودکان آگاه شوند که خطرهایی نیز دارد. همه ما باید بدانیم که افرادی سعی دارند با اهداف سوء، با کودکان ارتباط برقرار کنند و به همین دلیل،

به‌خصوص که به‌طور معمول دانش کودکان در این زمینه بیشتر است و از اصطلاحات و کلماتی اختصاری استفاده می‌کنند که ممکن است متوجه آن‌ها نشویم. در این میان، داشتن سواد رسانه‌ای شرطی لازم هست اما کافی نیست. مهم این است که بتوانیم رابطه مؤثر بین فردی برقرار کنیم که در آن حرف زدن دربارهٔ اینترنت مانند حرف زدن دربارهٔ هر اتفاق روزمره دیگری طبیعی محسوب شود. ما هیچ‌وقت اجازه نمی‌دهیم کودکانمان

می‌کند؛ بازخوردهایی مانند تعداد «لایک»ها و پیروان (فالوئر‌ها) و نظرها. کودکان از سنین خیلی پایین، تأییدها و تصدیق‌هایی دریافت می‌کنند که در دنیای واقعی مطابقت با آن‌ها بسیار مشکل است. همچنین آن‌ها می‌پذیرند که خود را با معیارهای متداول مربوط به عکس‌ها تطبیق دهند؛ برای مثال، ارسال عکس به شکلی معین به‌منظور دریافت تأیید و حمایت بیشتر. نیاز به تأیید شدن، نیازی انسانی است و در هر سن و سال برای ذهن مانند اکسیژن عمل می‌کند. کسانی که از اینترنت برای پیدا کردن کودکان و مقاصد شوم خود استفاده می‌کنند، از این نیاز بهره می‌برند. آن‌ها در مکان‌هایی که کودکان حضور دارند، دائم رفت و آمد می‌کنند و می‌دانند که چگونه از میل به تأیید شدن در نگاه دیگران - که در همهٔ انسان‌ها وجود دارد - بهره‌برداری کنند.

به‌جای تعیین قید و بند، صحبت کردن با کودکان دربارهٔ عزت‌نفس «خودعکس محور» راه را برای بحث دربارهٔ این موضوع آسان‌تر می‌کند. والدین و مربی پیش‌دبستانی همواره الگوی کودکان هستند و کودکان کارهایی را که آنان انجام می‌دهند کپی می‌کنند، نه آنچه را می‌گویند!

با کودک صحبت کنید و از او بپرسید: «لایک واقعاً چه معنایی دارد؟ چه حسی داری اگر هیچ «لایکی» دریافت نکنی؟ چه عکس‌هایی را می‌توانیم پست کنیم و چه کسانی می‌توانند آن‌ها را ببینند؟» سعی کنید از خودتان هم این موارد را بپرسید. این می‌تواند راهی خوب برای درک بیشتر کودکان باشد.

کودکان خردسال

هرچه کودک کوچک‌تر باشد، تعیین شرط توسط بزرگ‌ترها برای استفادهٔ امن و بهینه از اینترنت ساده‌تر است. به همین دلیل، مهم است که کنار کودک بنشینید و به محض کشف بازی‌ها و فیلم‌ها و دیگر



در شهر گم شوند. همین اصل در مورد اینترنت هم صادق است. گرچه اینترنت یک دنیای دیجیتالی است، ساکنان آن مردمان واقعی هستند.

عزت‌نفس «خودعکس محور»

همان‌طور که در دنیای معمولی، اتفاق‌ها، تماس‌ها و روابط، هویت کودکان را شکل می‌دهند، در دنیای دیجیتال هم همان تأثیر را دارند. در دنیای دیجیتال، شکل دیگری از عزت‌نفس ابداع شده است: عزت‌نفس خودعکس محور! این اصطلاح، روش بالا رفتن اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس را از طریق بازخورد گرفتن از عکس‌هایی که در اینترنت به اشتراک می‌گذاریم، توصیف

دائم در وبگاه‌هایی که در میان کودکان محبوب است، رفت‌وآمد می‌کنند. کودکانی که ارزیابی ماهیت تماس‌ها برایشان مشکل است، یا از اختلافات ذهنی رنج می‌برند و یا از حمایت‌های اجتماعی کافی محروم‌اند، آسیب‌پذیرتر هستند. با این حال، می‌دانیم که هر کودک می‌تواند هدف سوءاستفاده در اینترنت قرار بگیرد.

ممکن است صحبت با کودکان دربارهٔ اینکه در اینترنت چه کرده‌اند و با چه کسی آشنا شده‌اند، برای ما مشکل باشد؛



چیز های جالب در تلفن های هوشمند، تبلت و رایانه توسط آن ها، خود را وارد جریان کنید و درگیر موضوع شوید. برای بسیاری از کودکان این موضوع از دو سالگی شروع می شود. بیشتر والدین موافق اند که تلویزیون نباید در جایگاه پرستار بچه مورد استفاده قرار گیرد. ما باید همین رویکرد را نسبت به تلفن همراه و تبلت هم داشته باشیم و به همان ترتیب که نمی گذاریم کودکان تنها در شهر راه بروند، نباید بگذاریم در اینترنت تنها بمانند. با علاقه نشان دادن و درگیر شدن، می توانیم به کودکان خود آموزش دهیم که اینترنت چیزی است که ما با آن ها در آن سهیم هستیم. با سؤال کردن و نظر دادن، می توانیم نشان دهیم که صحبت درباره آنچه بر صفحه رایانه می گذرد، عادی است و این پایه ریزی یک گفت و گوی مثبت و صریح برای زمانی است که کودک بزرگ تر می شود. اگر بزرگ ترها دنیای مجازی شان را با کودکان سهیم شوند، آن ها راحت تر و طبیعی تر درباره تجربه های خود در اینترنت، چه مثبت و چه منفی، صحبت می کنند.

یک راه خوب برای سهیم شدن در اینترنت، انتخاب بازی ها، نرم افزارها و فیلم ها به همان روشی است که کتاب های قصه را با آن ها انتخاب می کنیم. درست مانند زمانی که با کودک خود کتاب قصه می خوانیم، می توانیم با او مقابل صفحه رایانه بنشینیم و لحظاتی امن و صمیمانه را با هم سپری کنیم. اجازه دهید کودکان آنچه را در بازی یا فیلم می گذرد، به شما نشان دهند و یا درباره آن حرف بزنند. شما نیز به آن ها نشان دهید که به آنچه می گویند علاقه مندید و می خواهید بیشتر یاد بگیرید. وقتی آن ها برای خواندن یا جهت یابی روی صفحه رایانه از شما کمک می خواهند، باید با گفتن جمله «خیلی خوشحالم که این را به من نشان دادی» یا «چه خوب که پرسیدی» تشویقشان کنیم. با چنین کاری رفتار مثبت اینترنتی را

تقویت می کنیم؛ رفتاری

که می خواهیم کودکانمان وقتی مدرسه را شروع کردند یا در سال های نوجوانی هم آن را ادامه دهند. زمانی که کاری به روش درست انجام می شود، کودکان آن را یاد می گیرند. وقتی کودکان به ۴ یا ۵ سالگی می رسند، می توانیم حرف زدن درباره خطرات اینترنت را شروع کنیم اما مهم است که کودکان را به وحشت نیندازیم. چیزهایی که ترس را تحریک می کنند، باعث تحریک کنجکاوی نیز می شوند. بهترین راه گفت و گو با کودکان درباره موضوعات دشوار و خطرناک، بی طرفانه و عینی صحبت کردن با آن ها و خودداری از انتقال ترس های خودمان به آنان است. برای مثال شما می توانید بگویید:

«در اینترنت افرادی وجود دارند که وانمود می کنند آدم هایی خوب هستند ولی در واقع صادق نیستند و می خواهند به کودکان آسیب برسانند.»

«من می خواهم با هم در اینترنت بگردیم؛ همان طور که وقتی از خیابان رد می شویم، دستت را می گیرم؛ زیرا می خواهم از تو محافظت کنم و چیزهایی در مورد اینترنت به تو یاد بدهم تا وقتی بزرگ تر شدی، بتوانی خودت راحت را پیدا کنی و بدانی که با چه کسانی می توانی و با چه کسانی نمی توانی ارتباط برقرار کنی.»

اما حتی اگر شما اخطار بدهید و درباره خطرات اینترنت صحبت کنید، بهترین راه برای کمک به کودکان پیش دبستانی استفاده از اینترنت همراه با یک فرد بزرگسال است. از این طریق می توانیم راهنمایی های لازم و مناسب را ارائه دهیم و از به دردسر افتادن آن ها در آینده جلوگیری کنیم.

توصیه های تکمیلی

- سعی کنید از تبلت در جایگاه پرستار بچه استفاده نکنید؛ در عوض آن را فرصتی بدانید که به شما امکان می دهد همراه با کودک، دنیای مجازی را سیاحت و کشف کنید.

- وقتی کودکان می خواهند نرم افزار، بازی و فیلم انتخاب کند، در این انتخاب نقشی فعال داشته باشید. با این کار، احساس باهم بودن در مقابل صفحه رایانه را به وجود می آورید.
- کودکان را ترغیب کنید که شما را وارد فعالیت های اینترنتی شان کنند.
- بدون اینکه کودکان را به وحشت بیندازید، درباره خطرهای اینترنت صحبت کنید. یادتان باشد که وحشت می تواند کنجکاوی را تحریک کند.
- به کودکان پیش دبستانی تفاوت رازهای خوب و رازهای بد را آموزش بدهید. به او بگویید هدایایی که در مناسبت های خاص

بهترین

راه گفت و گو با کودکان درباره موضوع

اینترنت و آسیب های ناشی از آن،

بی طرفانه و عینی صحبت کردن با آن ها و

خودداری از انتقال ترس های خودمان به

آنان است.

دریافت می کند، مانند جشن تولدها و عیدی ها، مثال هایی خوب برای رازهای خوب هستند. این ها چیزهایی هستند که آدم ها را خوشحال می کنند و ما می توانیم رازهای خوب را با بقیه در میان نگذاریم. اما رازهای بد، آن هایی هستند که نگرانمان می کنند و باعث ناراحتی ما می شوند. به کودک بگویید که حتما رازهای بد را با والدین و مربی خود در میان بگذارد؛ حتی اگر کسی بگوید که نباید این کار را بکند. حرف زدن درباره رازهای خوب و بد، راهی است برای متقاعد کردن کودکان به صحبت کردن در مورد چیزهایی نامطلوب که چه در اینترنت و چه در زندگی واقعی تجربه می کنند.

